

تأثیر آموزش هوش اخلاقی به شیوهی قصه‌گویی بر بخشودگی بین‌فردی دانش‌آموزان

عزت‌اله قدم‌پور*
جهانگیر کلانتر**
لیلا حیدریانی***

چکیده

هدف مطالعه‌ی حاضر بررسی تأثیر آموزش هوش اخلاقی به شیوهی قصه‌گویی بر بخشودگی بین‌فردی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی بود. این پژوهش یک مطالعه نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی شهر اهواز در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ابتدا از بین چهار ناحیه آموزش و پرورش شهر اهواز یک ناحیه به صورت تصادفی انتخاب و سپس از بین دوازده مدرسه دوره ششم ابتدایی ناحیه یک، یک مدرسه و سرانجام از بین چهار کلاس دو کلاس به صورت تصادفی انتخاب گردید و در دو گروه (۲۰ نفر گروه آزمایش و ۲۰ نفر گروه گواه) گمارده شدند. آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی برای گروه آزمایش اجرا شد، درحالی‌که گروه گواه هیچ آموزشی دریافت ننمود. پس از اتمام جلسات، پس‌آزمون روی دو گروه آزمایش و گواه انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بخشودگی بین‌فردی احتشام‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) بود. یافته‌ها نشان داد پس از آموزش هوش اخلاقی، در گروه آزمایش افزایش معناداری در بخشودگی بین‌فردی نسبت به گروه گواه ملاحظه شد ($p < 0/001$). در نتیجه می‌توان گفت که آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی بر بخشودگی بین‌فردی دانش‌آموزان مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: آموزش هوش اخلاقی، قصه‌گویی، بخشودگی بین‌فردی

* دانشیار دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول) ghadampour.e@lu.ac.ir

** دانشجوی دکترا روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه لرستان

*** دانشجوی دکترا روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه لرستان

مقدمه

از جمله ویژگی‌های شخصیتی که در چند دهه اخیر در کشورهای غربی، به صورت تجربی مورد پژوهش قرار گرفته است، بخشودگی و تأثیر آن در روابط بین فردی است. در ایران نیز، در چند سال گذشته این ویژگی وارد حوزه پژوهش‌های روان‌شناختی شده است. مک‌کالوف^۱ که از پژوهشگران صاحب‌نام در زمینه بخشودگی است، معتقد است بخشودگی ویژگی است که در اثر آن، شخصی که در روابط بین فردی، مورد آزار یا آسیب (مانند اهانت یا خیانت) قرار گرفته است، فرد خاطی را می‌بخشد. بدین ترتیب فرصتی دوباره برای جبران خطا به فرد خاطی داده می‌شود تا بتواند دوباره اعتمادسازی کند (مک‌کالوف، ورتینگتون و راشل^۲، ۱۹۷۷ نقل از مالیتی، وود، دی، کن، کولی و لینلی^۳، ۲۰۰۸).

بخشودگی به‌عنوان یک مفهوم مهم عاطفی در کاهش خشم در اختلالات مختلف، نقش مهمی در سلامتی و کاهش پرخاشگری دارد (صفاری‌نیا، محمدی و افشار، ۱۳۹۵). زمانی که در روابط، میان افراد عدالت و انصاف نادیده گرفته می‌شود، افراد احساس می‌کنند که در این رابطه مغبون و متضرر شده‌اند، در نتیجه ممکن است برای گرفتن حق خود از شیوه‌های مخرب استفاده نمایند. این شیوه‌های مخرب به شکل رفتارهای بدبینانه، دشمنی، خشم شدید، گسستگی‌های هیجانی و آسیب رساندن و آزردهن سایر افراد بروز می‌کند (بوزرمنی، ناجیوکرانسر^۴، ۱۹۸۶ نقل از هارگریو و سلز^۵، ۱۹۹۷). نتایج مطالعات حاکی از آن است افرادی که در متغیر بخشودگی نمره بالاتری دریافت می‌کنند، سطوح پایین‌تری از خشم و دشواری‌های روان‌شناختی را تجربه می‌کنند (دیوار، بارک، وینفیلد و استلان^۶، ۲۰۱۲).

زمانی که دیگران را می‌بخشیم، زندگی در روابط سالم‌تر با دیگران را انتخاب می‌کنیم (لینک و کیل^۷، ۲۰۰۵). نتایج اکثر مطالعات انجام‌شده در زمینه بخشودگی همچنین نشان می‌دهد که بخشودگی بین فردی با کاهش پریشانی‌های روان‌شناختی و هیجانات منفی

1. McCullough, M. E.,
2. Worthington, E. L., & Wade, N. G.
3. Maltby, J., Wood, A. M., Day, I., &
Kon, T. W. A.
4. Boszormenyi & Najikeranser

5. Sells, G. N.
6. Dewar, G., Burke, A. L. J., Winefield,
H., & Strelan, P.
7. Lennick, D., & Kiel, F.

مثل خشم و رنجش و افزایش هیجانات مثبت ارتباط دارد (سیف و بهاری، ۱۳۸۳). مکالوف و همکاران (۱۹۹۷) سه سیستم مشارکت‌کننده در فرآیند بخشودگی بین‌فردی را پیشنهاد نمودند. اولین سیستم، صمیمیت-همدلی (عامل مرکزی بخشودگی) است. دومین سیستم، نشخوار است که آشفتگی بین‌فردی را تشدید می‌کند و برای پیش‌بینی انگیزش‌های انتقام‌جویی مهم است. سومین سیستم، بازگشت صمیمیت بین‌فردی است که از رفتارهای دوری از مقصر جلوگیری و رفتارهای نشان‌دهنده آشتی را تسهیل می‌کند. گراس (۲۰۰۳) نقل از احتشام زاده و همکاران، (۱۳۸۹) سه مؤلفه در بخشش بین‌فردی پیشنهاد کرده است. اولین مؤلفه درک و فهم واقع‌بینانه است. دومین مؤلفه کنترل رنجش و سومین آن ارتباط مجدد و تنزل انتقام‌جویی است. در تعریف مؤلفه درک و فهم واقع‌بینانه می‌گویند: درک و فهم واقع‌بینانه عبارت است از قرار دادن خود به جای دیگران به منظور فهم چرایی رفتار ناشایست دیگران در قبال خویشتن. فرد از این طریق به ارزیابی واقع‌بینانه‌ای در مورد رفتارهایی که دیگران نسبت به او روا داشته‌اند می‌پردازد و به دنبال آن آرامش خود را حفظ می‌کند. کنترل رنجش را می‌توان به‌عنوان مدیریت پاسخ‌های هیجانی در فرونشاندن پاسخ‌ها و در نتیجه اداره هیجانات منفی تعریف کرد. از این طریق فرد احساس رنجش نسبت به دیگری را در اختیار می‌گیرد و نهایتاً آن را کاهش می‌دهد و مؤلفه ارتباط مجدد و تنزل انتقام‌جویی عبارت است از ویژگی که در اثر آن فردی که در روابط بین شخصی مورد آزار و اذیت قرار گرفته است، خطای فرد خاطی را می‌بخشد و فرصتی دوباره به فرد خاطی داده می‌شود و از این رهگذر ارتباط مجدد برقرار و از رفتار و حس انتقام‌جویانه فرد آسیب‌دیده کاسته می‌شود.

بنابراین، بخشش و گذشت فرآیند چشم‌پوشی ارادی از حق عصبانیت و انزجار از عمل ارتكابی زیان‌آور تعریف شده است (نورث^۱، ۱۹۹۸) و مکانیزمی است که می‌تواند ماهیت حلقوی اجتناب و انتقام را مختل کند؛ رویکردی که به‌موجب آن افراد واکنش منفی طبیعی‌شان به فرد متجاوز را فرو نشانده و به‌طور فزاینده‌ای برانگیخته می‌شوند تا در عوض به شیوه‌های مثبت واکنش نشان دهند (مکالو و ورثینگتون، ۱۹۹۹). مک‌کالو و همکاران (۱۹۹۸) بیان می‌کنند که بخشش، بازتاب تغییرات سودمند اجتماعی در انگیزه‌های بین‌فردی است، به‌گونه‌ای که: الف) انگیزه اجتناب از تماس شخصی و روانی

1. North, J.

با فرد خطاکار کاهش می‌یابد، ب) انگیزه‌ی انتقام‌جویی یا انتظار آسیب وارد آمدن به فرد خطاکار کاهش می‌یابد و ج) انگیزه نیک‌خواهی افزایش می‌یابد. ورثینگتون و همکاران (۱۹۹۸) یک مدل نظری ارائه دادند که در آن عدم بخشودگی به‌عنوان یک مهارت مقابله‌ای هیجان‌مدار محسوب می‌شود که با تأثیر مستقیم روی فرایندهای فیزیولوژیکی و تأثیر غیرمستقیم از طریق ارتقای عوامل تأثیرگذار در سلامتی مثل حمایت اجتماعی، کیفیت ارتباط و مذهب در پیامدهای سلامتی نقش دارد. در همین راستا مطالعات نشان می‌دهند، بیمارانی که نمرات بالاتری در متغیرهای بخشودگی دارند، سطوح پایین‌تری از درد، خشم و دشواری‌های روان‌شناختی را گزارش کرده‌اند. همچنین حالت خشم تداعی بین بخشودگی و دشواری‌های روان‌شناختی و همچنین تداعی بعضی از متغیرهای بخشودگی و درد را میانجی می‌کند، از طرفی ممکن است بخشودگی سازوکار مهمی در تعدیل جنبه‌های شناختی درد مزمن باشد و محتوای تفکر، احساسات، رفتار و پاسخ به آن را تعدیل کند.

از جمله عواملی که می‌تواند بر بخشودگی بین‌فردی تأثیرگذار باشد و به رشد آن کمک کند، هوش اخلاقی^۱ است (یاسمی‌نژاد، ۱۳۹۳). کودکی که مفاهیم اخلاقی نظیر اهمیت خویش‌داری، صبر، بخشش، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی، درستکاری و غیره را در روابط بین‌فردی بیاموزد و بتواند خشم خود را کنترل کند، سازگاری اجتماعی بالاتری دارد (درتاج، مصائبی و اسدزاده، ۱۳۸۸). کودکانی که هوش اخلاقی بالایی دارند گرمی و صمیمیت بیش‌تری نسبت به دیگران نشان می‌دهند، با دوستانشان مهربان‌اند و به نیازهای آن‌ها حساس‌ترند (گیتی، پوزولی و هیمل^۲، ۲۰۱۴). بوربا^۳ (۲۰۰۵) هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از نادرست، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن‌ها، رفتار صحیح و درست تعریف می‌کند. در حقیقت آموزش هوش اخلاقی به یکی از موضوعات عام در زمینه روان‌شناسی تبدیل شده است بدیهی است اخلاق می‌تواند در امر فعالیت‌های آموزشی و پرورشی یاددهندگان و یادگیرندگان نقش قابل‌توجهی داشته باشد و هدف راهنمایی تحصیلی در کنار موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، پرورش آنان در حیطه‌های مختلف از جمله حیطه اخلاقی است (گل‌پور، ۱۳۸۹).

1. moral intelligence
2. Kity, Pozvily & Himel

3. Borba, M.

هوش اخلاقی مفهومی جدید است و نسبت به هوش‌های اجتماعی و شناختی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ولی ظرفیت بالایی برای بهبود درک ما از رفتار و یادگیری دارد. تقویت هوش اخلاقی کودکان بهترین فرصت برای قرار دادن فرزندان در مسیر درست است تا آن‌ها بتوانند علاوه بر درست فکر کردن، درست هم عمل کنند.

این قابلیت عالی، ویژگی‌های مهمی را شامل می‌شود که از جمله می‌توان به مهارت‌ها، وسوسه‌ها، همدل بودن، نپذیرفتن گزینه‌های غیراخلاقی، مبارزه با بی‌عدالتی، رفتار محترمانه و ناشی از درک با دیگران اشاره کرد. بسیار مهم است که هوش اخلاقی فرزندان به گونه‌ای پرورش داده شود که او به‌طور عمیق قدرت تشخیص درست از نادرست را پیدا کند و بتواند در برابر عوامل بیرونی مقاومت کند. خوشبختانه هوش اخلاقی اکتسابی است و می‌توان آن را پرورش داد (بوربا، ۲۰۱۰، ترجمه‌ی کاووسی، ۱۳۹۰). تأکیدی که در کشور ما برای ارزش‌های دینی و معنوی وجود دارد، زیربنای اقداماتی است که جهت حفظ مقام و ارزش انسان‌ها در نظر گرفته شده است و اخلاق در این زمینه جایگاه ویژه‌ای دارد (صادقی، ۱۳۹۵).

هوش اخلاقی، نقطه عطفی برای تمام هوش‌ها در نظر گرفته شده و در واقع «هوش حیاتی» برای همه انسان‌هاست و به این حقیقت اشاره می‌کند که انسان به‌صورت ذاتی، اخلاقی یا غیراخلاقی متولد نمی‌شود، بلکه یاد می‌گیرد که چگونه خوب باشد. هوش اخلاقی هفت اصل ضروری را شامل می‌شود: همدلی، وجدان، خودکنترلی، احترام، مهربانی، تساهل، تسامح و انصاف. از دیدگاه برخی دیگر از صاحب‌نظران، سازه هوش اخلاقی دربرگیرنده چهار بعد اصلی شامل: درستکاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش و دلسوزی و دارای ده زیرمجموعه شایستگی شامل انسجام، صداقت، شجاعت، رازداری، انجام تعهدات فردی، خودکنترلی و خودمحورسازی، کمک به دیگران و درک نیازهای روحی خود است (لینک و کیل، ۲۰۰۵). پرداختن به اخلاق و به‌ویژه آموزش هوش اخلاقی در تأمین سلامت و سعادت دانش‌آموزان می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند. به‌طوری‌که دانش‌آموزانی که با روحیه اخلاق‌مداری و تشخیص درست از نادرست پرورش می‌یابند در زندگی فردی و خانوادگی و همچنین شغلی خود به‌احتمال زیاد کارآمدتر خواهند بود. خوشبختانه طرح بوربا برای آموزش هوش اخلاقی می‌تواند به‌آسانی با مدارس و کلاس‌های درس منطبق شود (کلارکن، ۲۰۰۹). قصه تلقین

شفابخشی است که باعث کاهش اضطراب کودک می‌شود، به نحوی که کودک با همسان‌پنداری خود با شخصیت‌های قصه، می‌تواند عواطف خود را راحت‌تر بشناسد و روش همدلی با احساس دیگران را بیاموزد (رضایی، خدابخشی کولایی و تقوایی، ۱۳۹۴). الگوهای اخلاقی در قالب داستان و قصه به کودکان سبب می‌شود که آن‌ها با همانندسازی با الگوهای اخلاقی شخصیت‌های داستانی، معیارهای اخلاقی درست و اشتباه را تمیز دهند و بتوانند رفتارهای خود را از بیرون مشاهده و درباره آن قضاوت کنند (هانتروادر^۱، ۲۰۱۰ نقل از صنعت‌نگار، حسن‌آبادی و اصغری‌نکاح، ۱۳۹۱). از سوی دیگر، در این روش کودک به خاطر کار اشتباه خود مستقیماً مواخذه نمی‌شود و نیز با دیدن شرایط شخص مقابل، احساسات او را درک و با توضیح معلم علت برخورد را به هنگام کار نامناسب درک می‌کند. آموزش هوش اخلاقی با استفاده از مثال‌های موجود داستان‌ها و تمرین‌های عملی باعث می‌شود با ایجاد تقویت جانشینی، توانایی‌های کودک در مواجهه با مشکلات فردی و بین‌فردی بالا رود و قبل از واکنش رفتاری، قضاوت درستی نسبت به موقعیت چالشی پیش‌رو داشته باشد. در بررسی پیشینه پژوهش‌ها، تحقیقات مختلفی در حوزه هوش‌های اخلاقی، معنوی و هیجانی صورت گرفته است، ولی در راستای آموزش هوش اخلاقی به شیوه‌ی قصه‌گویی در دانش‌آموزان خلأ پژوهشی احساس می‌شود و پیشینه‌ی مداخله‌ای در این زمینه بسیار کم است. بنابراین با توجه به این‌که هوش اخلاقی بر مفاهیمی همچون عمل کردن بر اصول، ارزش‌ها، راست‌گویی، ایستادگی به خاطر حقیقت، وفای به عهد، مسئولیت‌پذیری، اقرار به اشتباهات و شکست‌ها، قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، توانایی در بخشش اشتباهات خود و دیگران تأکید می‌کند، لذا این پژوهش با هدف بررسی میزان تأثیر آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی بر بخشودگی بین‌فردی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی انجام شد.

روش

روش پژوهش حاضر به شیوه نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی شهر اهواز در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ بود. برای تعیین نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. در

1. Hantervader

مرحله اول از چهار ناحیه آموزش و پرورش اهواز یک ناحیه و در مرحله بعد، از مدارس ناحیه انتخاب شده یک مدرسه انتخاب و سرانجام دو کلاس از مدرسه به‌عنوان نمونه نهایی انتخاب شد و سپس به‌صورت تصادفی دو کلاس انتخاب شده در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند که تعداد هر کلاس ۲۰ نفر بود. آموزش هوش اخلاقی به شیوه‌ی قصه‌گویی برای کلاس یا گروه آزمایش در ساعت درس تفکر و سبک زندگی برگزار می‌شد این کتاب، آزمون پایانی ندارد و محتوای آن قابل تغییر است که بعد از جلب موافقت مدیر آموزشگاه و دانش‌آموزان، هماهنگی با دبیر مربوطه از این ساعات در طول هفته استفاده شد و از آنجایی که محقق سابقه طولانی در آموزش و پرورش دارد دسترسی به این قبیل شرکت‌کنندگان دشوار نبود. ملاک‌های ورود به مطالعه عبارت بود از: پایه ششم ابتدایی بودن، دانش‌آموز پسر، عدم شرکت هم‌زمان در برنامه‌های آموزشی دیگر و رضایت داوطلبانه و آمادگی جسمی و روانی جهت حضور در جلسات بود؛ همچنین ملاک خروج از مطالعه نیز عدم تمایل به ادامه همکاری با پژوهشگران بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار زیر استفاده شد:

پرسشنامه بخشودگی بین‌فردی: این پرسشنامه توسط احتشام‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) تهیه شده و دارای ۲۵ سؤال بوده و هدف آن سنجش میزان بخشودگی بین‌فردی و ابعاد آن در افراد مختلف (ارتباط مجدد و کنترل انتقام‌جویی، کنترل رنجش، درک و فهم واقع‌بینانه) است. که برای مؤلفه ارتباط مجدد و کنترل انتقام‌جویی ۱۲ سؤال (۱ الی ۱۲)، برای کنترل رنجش ۶ سؤال (۱۳ الی ۱۸) و برای درک و فهم واقع‌بینانه ۷ سؤال (۱۹ الی ۲۵) در نظر گرفته شده است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده که امتیاز مربوط به هر گزینه (از کاملاً مخالف ۱ تا کاملاً موافق ۴) است که البته به‌جز ماده‌های ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹ بقیه به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در پژوهش احتشام‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) جهت سنجش روایی مقیاس بخشودگی بین‌فردی، از اجرای هم‌زمان آن با خرده‌مقیاس بخشودگی در خانواده اصلی FFS استفاده شد که همبستگی بین این دو مقیاس معنی‌دار به دست آمد. این رابطه حاکی از روایی مناسب این مقیاس است، همچنین پایایی پرسشنامه یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای ارتباط مجدد و کنترل انتقام‌جویی آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمد و برای

کنترل رنجش و درک فهم واقع‌بینانه به ترتیب ۰/۶۶ و ۰/۵۷ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۰ به دست آمد.

پروتکل آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی: برنامه مداخله‌ای آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی در این پژوهش محتوای آموزشی جلسه‌ها با الگوگیری از پیشینه پژوهش بوربا (۲۰۰۵) و فرانک^۱ (۲۰۱۴) تهیه و داستان‌ها با توجه به محتوای هر جلسه و داستان‌های رایج در ادبیات کودکان انتخاب شد و هوش اخلاقی طی ۱۲ جلسه ۷۵ دقیقه‌ای، هر هفته دو جلسه به گروه آزمایش به شرح زیر آموزش داده شد. جلسه اول: این جلسه با هدف اجرای پیش‌آزمون و بیان اهداف گروه و برنامه آموزشی برگزار شد.

جلسه دوم: این جلسه با هدف آموزش ادب و احترام به کودکان برگزار شد. فضیلت احترام و تفسیر شیوه‌های بی‌احترامی در قالب قصه «کودک بی‌ادب» در گروه بحث شد و مقرر شد برای تکلیف جلسه آینده نتیجه اخلاقی داستان را توضیح دهند.

جلسه سوم: ابتدا تکلیف جلسه قبل بررسی و سپس مصادیق مهربانی در روابط بین‌فردی بررسی شد و خطاهای شناختی مؤثر بر نامهربانی در قالب «قصه گرگ» بیان شد و مقرر شد برای تکلیف جلسه آینده نتیجه اخلاقی داستان را توضیح دهند.

جلسه چهارم: تکلیف جلسه قبل بررسی شد و سپس دانش‌آموزان از اهمیت و تأثیر همدلی بر روابط بین‌فردی در قالب قصه «دو درخت» بیان و تکلیف مربوطه ارائه شد.

جلسه پنجم: تکالیف مرور و فضیلت وجدانی بودن و مسئولیت‌پذیری در قالب قصه «دو تاجر» بیان شد و مقرر شد کودکان برای جلسه آینده نتیجه اخلاقی داستان را توضیح دهند.

جلسه ششم: تکلیف جلسه قبل بررسی شد. سپس دانش‌آموزان با تعریف و لزوم خویشتن‌داری و تأثیر آن بر روابط در قالب قصه «بزغاله‌ها» آشنا شدند و تکلیف ارائه شد.

جلسه هفتم: تکلیف جلسه قبل بررسی و فضیلت انصاف در زندگی تعریف و درباره لزوم انصاف و تأثیر آن در زندگی در قالب داستان «دو کبوتر» بحث شد و تکلیف ارائه شد.

جلسه هشتم: تکلیف جلسه قبل بررسی شد و مصادیق بردباری مانند رسیدن سریع‌تر و بهتر به خواسته‌ها و عدم قضاوت‌های زود هنگام در قالب قصه «جغد عصبانی» بیان شد و تکلیف ارائه شد.

جلسه نهم: پس از بررسی تکلیف دانش‌آموزان با تعریف درست‌کاری و اهمیت آن در رفتار، مصادیق راست‌گویی و پرهیز از دروغ‌گویی آشنا شدند. پیامدهای اخلاقی دروغ‌گویی در قصه «چوپان دروغگو» ارائه شد و تکلیف ارائه شد.

جلسه دهم: ابتدا تکلیف بررسی شد و سپس مصادیق بخشش مانند گذشت از اشتباه دیگران و پیامدهای مثبت آن مانند اصلاح رفتار اطرافیان و برقرار بودن پیوندهای دوستی در قالب قصه «خرس» تعریف، ارائه و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و تکلیف ارائه شد.

جلسه یازدهم: ابتدا تکلیف جلسه قبل بررسی شد و سپس دانش‌آموزان با «وفای به عهد» و اهمیت و تأثیر آن در روابط مانند جلب اعتماد دیگران و عدم ایجاد کدورت بین دوستان آشنا شدند. قصه «نجار ماهر» بیان و مقرر شد برای تکلیف جلسه آینده نتیجه اخلاقی این داستان‌ها را توضیح دهند.

جلسه دوازدهم: پس از مرور و جمع‌بندی مطالب آموزشی جلسه‌های پیشین، پس‌آزمون اجرا و از تک‌تک شرکت‌کنندگان تشکر و قدردانی شد و هدایایی به رسم یادبود به آن‌ها اهداء گردید.

یافته‌ها

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره خرده مؤلفه‌های بخشودگی بین‌فردی را در گروه‌های آزمایش و گواه، به تفکیک در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار خرده مؤلفه‌های بخشودگی بین‌فردی در گروه‌های آزمایش و

گواه به تفکیک در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیرها	شاخص‌های آماری	گروه آزمایش		گروه گواه	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
ارتباط مجدد و کنترل	پیش‌آزمون	۲۳/۱۵	۳/۵۸	۲۴/۴	۳/۸۸
	پس‌آزمون	۳۱/۵۵	۳/۵۳	۲۴/۴۵	۳/۷۹
کنترل رنجش	پیش‌آزمون	۱۴/۹۵	۲/۷۴	۱۴/۱۵	۲/۷۳
	پس‌آزمون	۱۹/۸	۲/۴۱	۱۴/۶	۲/۹۹
درک و فهم واقع‌بینانه	پیش‌آزمون	۱۸/۱۵	۳/۱۱	۱۸/۴۵	۳/۱۵
	پس‌آزمون	۲۳/۵۵	۲/۴۵	۱۸/۵۵	۳/۰۳

اطلاعات جدول ۱، میانگین و انحراف معیار ارتباط مجدد و کنترل انتقام‌جویی، کنترل رنجش، درک و فهم واقع‌بینانه را در شرکت‌کنندگان به تفکیک گروه‌ها و مراحل نشان می‌دهد همان‌طور که ملاحظه می‌شود، میانگین نمرات گروه آزمایش در مرحله‌ی پس‌آزمون در ارتباط مجدد و کنترل انتقام‌جویی، کنترل رنجش و درک و فهم واقع‌بینانه نسبت به گروه گواه افزایش دارد. در پژوهش حاضر به‌منظور آزمون فرضیه و تعیین معناداری تفاوت بین نمره‌های آزمایش و گواه در خرده مؤلفه‌های بخشودگی بین‌فردی، از روش تجزیه و تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده شد. به‌طورکلی وجود چند متغیر وابسته لزوم استفاده از روش‌های چند متغیری را ایجاب می‌کند. پیش از تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه‌ها، به‌منظور اطمینان از این‌که داده‌های این پژوهش مفروضه‌های زیربنایی تحلیل کوواریانس را برآورده می‌کند، به بررسی آن‌ها پرداخته شد.

سطح معنی‌داری رابطه بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای ارتباط مجدد و کنترل انتقام‌جویی برابر با $t=0/53$ ، کنترل رنجش برابر با $t=0/51$ و درک و فهم واقع‌بینانه برابر با $t=0/57$ به دست آمد. با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده، مفروضه‌ی خطی بودن برای متغیرهای خرده مؤلفه‌های بخشودگی بین‌فردی برقرار است.

عدم هم‌خطی چندگانه: همبستگی بین پیش‌آزمون‌های ارتباط مجدد و کنترل انتقام‌جویی، کنترل رنجش و درک و فهم واقع‌بینانه در دامنه‌ای بین $0/02$ تا $0/14$ به دست آمد ($p < 0/005$). با توجه به همبستگی‌های به‌دست‌آمده، می‌توان گفت که مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای کمکی (کوواریت‌ها)، رعایت شده است. آزمون لوین جهت بررسی مفروضه همگنی واریانس‌های خطا بررسی شد و نتایج این آزمون نشان داد که بین گروه‌ها از لحاظ واریانس متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود ندارند. همچنین مفروضه همگنی شیب رگرسیون آزمون و با ($p > 0/05$) نشان داد که این مفروضه نیز برقرار و اجرای تحلیل کوواریانس بلامانع است. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف حاکی از نرمال بودن متغیرهای پژوهش در مرحله پیش‌آزمون در دو گروه آزمایش و گواه بود.

به‌منظور بررسی مفروضه یکسانی ماتریس‌های واریانس - کوواریانس از آزمون ام باکس استفاده شد. نتایج آزمون ام باکس نشان داد که این پیش‌فرض نیز برقرار است ($M=5/08, F=0/77, p>0/05$).

جدول ۲. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس چندمتغیری بر روی میانگین نمره‌های پس‌آزمون خرده مؤلفه‌های بخشودگی بین‌فردی آزمودنی‌های گروه‌های آزمایش و گواه

نام آزمون	مقدار	F	df فرضیه	df خطا	سطح معنی‌داری	اندازه اثر	توان آماری
اثر پیلایی	۰/۹۴۶	۱۹۰/۸۸	۳	۳۳	۰/۰۰۱	۰/۹۴۶	۱/۰۰
لامبدای ویلکز	۰/۰۵۴	۱۹۰/۸۸	۳	۳۳	۰/۰۰۱	۰/۹۴۶	۱/۰۰
اثر هتلینگ	۱۷/۵۳	۱۹۰/۸۸	۳	۳۳	۰/۰۰۱	۰/۹۴۶	۱/۰۰
بزرگ‌ترین ریشه روی	۱۷/۵۳	۱۹۰/۸۸	۳	۳۳	۰/۰۰۱	۰/۹۴۶	۱/۰۰

اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد که بین گروه‌های آزمایش و گواه از لحاظ متغیرهای وابسته در سطح $P \leq 0/001$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد و می‌توان گفت که حداقل در یکی از متغیرهای وابسته (خرده مؤلفه‌های بخشودگی بین‌فردی) بین دو گروه، تفاوت معنی‌دار وجود دارد. جهت پی بردن به این تفاوت دو تحلیل کوواریانس تک متغیره در متن مانکوا صورت گرفت که در جدول ۳ گزارش گردیده است.

جدول ۳. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس تک متغیره در متن مانکوا روی میانگین نمره‌های پس‌آزمون خرده مؤلفه‌های بخشودگی بین‌فردی گروه‌های آزمایش و گواه

متغیر وابسته	مجموع مجذورات آزادی	درجه	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	اندازه اثر	توان آماری
ارتباط مجدد و کنترل انتقام‌جویی	۶۳۶/۷۳	۱	۶۳۶/۷۳	۳۰۵/۴	۰/۰۰۱	۰/۸۹۷	۱۰/۰۰
کنترل رنجش	۱۸۷/۶۲	۱	۱۸۷/۶۲	۱۳۳/۹۴	۰/۰۰۱	۰/۷۹۳	۱/۰۰
درک و فهم واقع‌بینانه	۲۴۴/۱۸	۱	۲۴۴/۱۸	۲۷۸/۶۶	۰/۰۰۱	۰/۸۸۸	۱/۰۰

جدول ۳، نتایج مربوط به تحلیل کوواریانس یافته‌های پژوهش را نشان می‌دهد، همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود بین آزمودنی‌های گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری در متغیرهای وابسته دیده می‌شود، به‌گونه‌ای که آموزش هوش اخلاقی به شیوه‌ی قصه‌گویی توانسته است به‌طور معناداری در افزایش ارتباط مجدد و کنترل انتقام‌جویی، کنترل رنجش و درک و فهم واقع‌بینانه ($P \leq 0/001$) گروه آزمایش نسبت به گروه گواه در مرحله‌ی پس‌آزمون مؤثر باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان تأثیر آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی بر بخشودگی بین‌فردی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی انجام گرفت. همان‌طور که نتایج نشان داد، آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی توانسته است میزان بخشودگی بین‌فردی و تمام خرده مؤلفه‌های آن (ارتباط مجدد و کنترل انتقام‌جویی، درک و فهم واقع‌بینانه و کنترل رنجش) را افزایش دهد. این یافته تا حدودی با نتایج پژوهش‌های سیدی (۲۰۱۳)، رحیمی (۲۰۱۲)، مقدس و اخلاقی (۲۰۱۳) نقل از کریمی و همکاران، (۲۰۱۴)، سلیمانی (۲۰۱۲)، اسماعیلی‌تارزی، هشتی‌فر و اسماعیلی‌تارزی (۲۰۱۲)، رأس، کندل، متیرس و همکاران^۱ (۲۰۰۴)، زدنگ و اسجوجور^۲ (۲۰۰۷)، تامپسون و همکاران^۳ (۲۰۰۵)، فریدبرگ، آدونیس، ون‌برگن و فرکات^۴ (۲۰۰۵)، یاسمی نژاد (۱۳۹۳) و وزیري و لطفی کاشانی (۱۳۹۲) همخوانی دارد. در همین راستا نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نیز (فتیزجیبونز^۵، ۲۰۰۰ نقل از باسکین و اینرایت^۶، ۲۰۰۴؛ نتو^۷، ۲۰۰۷) حاکی از آن است که بخشودگی به‌عنوان یک مؤلفه مهم هوش اخلاقی به بهبود روابط، ابراز خشم مناسب و التیام زخم‌های عاطفی افراد کمک می‌کند. در تبیین نتایج این پژوهش در راستای مؤلفه برقراری ارتباط مجدد، یافته پژوهشی نشان داد کودکانی که هوش اخلاقی بالایی دارند گرمی و صمیمیت بیش‌تری نسبت به دیگران نشان می‌دهند، با دوستانشان مهربان‌اند و به نیازهای آن‌ها حساس‌ترند (گینی، پوزولی و همیل، ۲۰۱۴). در رابطه با مؤلفه کنترل رنجش، طبق یافته پژوهش حاضر می‌توان گفت، کودکانی که مفاهیم اخلاقی نظیر اهمیت خویش‌داری، صبر، بخشش، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی، درستکاری و... را در روابط بین‌فردی می‌آموزند و می‌توانند خشم خود را کنترل کنند و سازگاری اجتماعی بالاتری از خود نشان می‌دهند (درتاج، مصائبی و اسدزاده، ۱۳۸۸). در رابطه با مؤلفه کنترل انتقام‌جویی بر اساس یافته پژوهشی حاضر می‌توان تبیین کرد که هوش اخلاقی خط سیر اخلاقی فرد را در زندگی و تحصیل تعیین و از بروز اعمال بزهکارانه و خلاف قانون

1. Ross, S. R., Kendall, A. C., Matters, K. G., Wrobel, T. A., & Rye, M. S.
2. Zdenk, B., & Schochor, D.
3. Thompson, L. Y., & et al
4. Friedberg, G. P., Adonis, M. N., Vonbergen, H. A., & Ferkauf, S. S.

5. Fitzgibbons
6. Baskin, T., & Enirght, R.
7. Neto, F.

جلوگیری می‌کند و باعث رعایت اخلاق در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود (بائو، زانگ، لای، سان و وانگ، ۲۰۱۵). هر قدر هوش اخلاقی در دانش‌آموزان بالاتر باشد، علاوه بر تلاش برای کسب خواسته‌های خود به روش درست، با دشواری کم‌تری با همکلاسی‌ها و معلم رابطه برقرار می‌کنند و این توانمندی سبب می‌شود راحت‌تر مشکلات درسی خود را از دوستانشان بپرسند و در ارتباط با معلم‌ها راحت‌تر باشند و هنگام نیازمندی، یاریگران بیش‌تری در اطراف خود داشته باشند (یاسمی‌نژاد، ۱۳۹۳).

باید عنوان کرد که وقتی دانش‌آموزان به اثرات متعدد و ارزشمند بخشش که در فرهنگ و مبانی دینی نیز آمده است آگاه‌تر می‌شوند، با عمل به آن احساس آرامش و اطمینان بیش‌تری می‌کنند. از سوی دیگر، دانش‌آموزان زمانی که قدرت بخشودگی را در خود تقویت می‌کنند، در حقیقت در راستای تقویت و استحکام روابط بین‌فردی و دوستی‌های خود گام برمی‌دارند. از جمله این آگاهی‌ها این است که انسان‌ها جایز‌الخطا هستند و روزی ممکن است آن‌ها نیز نیازمند بخشش دیگران باشند، لذا از این طریق راحت‌تر دیگران را می‌بخشند و فرصت جبران و بازسازی و چشم‌پوشی را به دیگران می‌دهند. نتیجه این عمل نیز تقویت روابط بین‌فردی فارغ از کدورت و سلامت روان است. بدیهی است بخشودگی یک مؤلفه مهم است که در روابط دوجانبه ظهور و بروز پیدا می‌کند. از طریق آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی، دانش‌آموزان گروه آزمایش توانسته‌اند که احساسات خود را در مورد دیگران و تجارب خود بازسازی کرده و با دیدی متفاوت از قبل به پدیده‌ها و اتفاقات ناراحت‌کننده نگاه کنند.

از جمله محدودیت‌های عمده پژوهش حاضر، نداشتن دوره پیگیری و همچنین بیان قصه‌ها فقط به صورت شفاهی بود که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی برای ارائه قصه‌ها از روش تصویری و نمایشی علاوه بر بیان شفاهی استفاده شود و همچنین جهت پی بردن به ثبات نتایج آموزش از دوره‌های پیگیری چندماهه استفاده شود که می‌تواند زمینه‌ساز مناسبی برای مقایسه و تعمیم‌پذیری بهتر نتایج گردد. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی می‌تواند در افزایش بخشودگی بین‌فردی دانش‌آموزان مؤثر باشد. بنابراین ضرورت دارد آموزش و پرورش برای هوش اخلاقی در سطوح مختلف تحصیلی برنامه‌ریزی کند. گنجاندن آموزش هوش اخلاقی با توجه به

اهمیت آن در آموزش‌های فوق‌برنامه و فعالیت‌های مشاوره‌ای در مدارس و همچنین آموزش هوش اخلاقی و اهمیت آن در کلاس‌های انجمن اولیا و مربیان از دیگر پیشنهاد‌های کاربردی است. علاوه بر آن حتی پیشنهاد می‌شود در کلیه مقاطع تحصیلی، آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی در قالب واحدهای درسی عمومی به دانش‌آموزان و دانشجویان ارائه شود.

منابع

- احتشام‌زاده، پ.؛ احدی، ح.؛ عنایتی، م. و حیدری، ع. (۱۳۸۹). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش بخشودگی بین‌فردی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۶(۴)، ۴۴۳-۴۵۵.
- بوربا، م. (۲۰۱۰). *پرورش هوش اخلاقی در فرزندان*، ترجمه فیروزه کاووسی، ۱۳۹۰، تهران، رشد.
- سیف، س. و بهاری، ف. (۱۳۸۳). رابطه بین بخشودگی و سلامت روانی همسران، *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، ۱(۱)، ۹-۱۸.
- درتاج، ف.؛ مصائبی، ا. و اسدزاده، ح. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش مدیریت خشم بر پرخاشگری و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان ۱۵-۱۲ ساله. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۳(۱۲)، ۶۲-۷۲.
- رضایی، س.؛ خدابخشی‌کولایی، آ. و تقوایی، د. (۱۳۹۴). اثربخشی نقاشی درمانی بر کاهش اضطراب و پرخاشگری دانش‌آموزان دبستانی پسر دارای اختلالات برونی‌سازی شده. *نشریه پرستاری کودکان*، ۲(۲)، ۱۰-۱۹.
- سمدز، ل. ب. (۱۹۹۶). *بخشودن و رها کردن*. ترجمه: مریم ظهیر. تهران، آسیم.
- سیف، س. و بهاری، ف. (۱۳۸۰). *استانداردسازی و هنجاریابی مقیاس سنجش بخشودگی در خانواده‌های ایرانی*. گزارش طرح تحقیقاتی، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا.
- سیف، س. و بهاری، ف. (۱۳۸۳). رابطه بین بخشودگی و سلامت روان همسران. *مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهرا (س)*، ۱(۱)، ۹-۱۸.
- سیمون، س. (۱۳۸۵). *بخشودن*. ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، درسا.
- صادقی، ا. (۱۳۹۵). اخلاق حرفه‌ای در مدیریت سلامت زمینه‌ساز رعایت حقوق بیمار. *مجله اخلاق پزشکی*، ۴(۱۳)، ۱۴-۲۶.

صفاری‌نیا، م؛ محمدی، ن. و افشار، ح. (۱۳۹۵). نقش بخشودگی بین‌فردی در تاب‌آوری و شدت درد بیماران مبتلا به درد مزمن. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۸(۴)، ۲۱۲-۲۱۹. صنعت‌نگار، س؛ حسن‌آبادی، ح. و اصغری‌نکاح، م. (۱۳۹۱). اثربخشی قصه‌درمانی گروهی بر کاهش ناامیدی و تنهایی کودکان دختر مراکز شبه خانواده. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۶(۲۴)، ۲۳-۷.

کریمی، م. ح. (۱۳۸۶). منشور اخلاق آرمانی در خمسه امیر خسرو دهلوی. *مجله زبان و ادبیات فارسی*، ۵(۸)، ۱۱۸-۸۹.

گل‌پرور، م. (۱۳۸۹). بررسی نقش اخلاق تحصیلی، عدالت و بی‌عدالتی آموزشی با تعهد و فریب‌کاری علمی در دانشجویان. *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ۵(۴)، ۲۵-۴۲.

گل‌محمدیان، م. (۱۳۹۳). مقایسه مؤلفه‌های هوش اخلاقی در زنان سازگار و ناسازگار، اولین همایش روان‌شناسی خانواده. انجمن روان‌شناسی خانواده. دانشگاه شهید چمران اهواز. مرتضایی، ش؛ قاسمی‌پیربلوطی، م. و احمدی، ر. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین هوش هیجانی، هوش اخلاقی و قانون‌مداری دانش‌آموزان شهرستان شهرکرد. *فصلنامه دانش انتظامی چهارمحال و بختیاری*، ۱(۳)، ۲۱-۱.

وزیری، ش. و لطفی‌کاشانی، ف. (۱۳۹۲). آموزش مهارت‌های کنترل خشم: مهارت‌های بنیادی مدرسه در زندگی. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۲۸(۳)، ۹۳-۱۱۱.

یاسمی‌نژاد، پ. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش هوش اخلاقی بر مسئولیت‌پذیری، همدلی هیجانی، اخلاق تحصیلی و بخشودگی بین‌فردی دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه. پایان‌نامه دکتری در رشته روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز.

Bao, Z., Zhang, W., Lai, X., Sun, W., & Wang, Y. (2015). Parental attachment and Chinese adolescents' delinquency: The mediating role of moral disengagement. *Journal of Adolescence*, 11(4), 37-47.

Dewar, G., Burke, A. L. J., Winefield, H., & Strelan, P. (2012). Forgiveness, psychological distress and chronic pain: have we missed something? *Anaesth Intensive Care*, 40 (3), 536.

Baskin, T., & Enright, R. (2004). Intervention studies on forgiveness: a Meta – analysis. *Journal of counseling Development*, 82(1), 79-12.

Borba, M. (2005). *The step-by-step plan to building moral intelligence*. Jossey-Bass Publishers, 8-10.

Clarcken, H. (2009). *Moral intelligence in the schools, Paper presented at the annual meeting of the Michigan Academy of Sciences, Arts and Letters Wayne State University*.

Enright, R. D., & Coyle, C. T. (1998). Researching the Process Model of Forgiveness within Psychological Interventions. in F. D. Finch metal. 2004. Forgiveness

- and Conflict Resolution in Marriage. *Journal of Family Psychology*. 18 (1), 72-81.
- Enright, R. D., & Coyle, T. (1998). Researching the process model of forgiveness within psychological interventions. In E.L.Worthington (Ed.). *Dimensions of forgiveness, Psychological research and theological*, 139-161.
- Frank, A. W. (2014). Narrative ethics as dialogical story-telling. *Hastings Center Report*, 44(1), 16-20
- Friedberg, G. P., Adonis, M. N., Vonbergen, H. A., & Ferkauf, S. S. (2005). Short communication: September 11th related stress and trauma in New Yorkers. *Journal of stress and Health*, 21, 53-60.
- Gini, G., Pozzoli, T., & Hymel, S. (2014). Moral disengagement among children and youth: A meta-analytic review of links to aggressive behavior. *Aggressive behavior*, 40(1), 56-68.
- Gross, J. J. (2002). Emotion regulation: Affective, cognitive, and social consequences. *Psychophysiology*, 39, 281-291.
- Hargrave, T. D. (1994). *Families and forgiveness: Healing intergenerational wounds*. New York: Brunner/Mazel.
- Hargrave, T., & Sells, J. (1998). *Forgiveness: Theoretical and Empirical Review*. 20, 21-36.
- Hargrave, T. D., & Sells, G. N. (1997). The development of a forgiveness scale. *Journal of marital and Family Therapy*, 23, 41-63.
- Hargrave, T. D. (1994). *Families and forgiveness: Healing intergenerational wounds*. New York: Brunner/mazel.
- Ismaeli Tarzi, Z., Hashashtifar, M., & Ismaelitarzi, H. (2012). Investigating the relationship between moral intelligence and the managers, creditability. *Morality in sciences and technology quarterly periodical*, 70-84.
- Karimi, M., Salehi, M., & Gholtash, A. (2014). The Relationship between professional Ethics and moral Intelligence with organizational behavior citizenship in female High school teachers. *Reef Resources Assessment and management technical paper*. 40.
- Lennick, D., & Kiel, F. (2005). Moral intelligence the key to enhancing business performance and leadership success, *Wharton school publishing, an imprint of Pearson Education*, 18(33), 29- 45.
- Maltby, J., Wood, A. M., Day, I., & Kon, T. W. A. (2008). Personality predictors of levels of forgiveness two and half years after the transgression. *Journal of Research in Personality*, 42, 1088-1094.
- McCullough, M. E., Worthington, J. R., E. L., & Rachal, K. (1997). Interpersonal forgiveness in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 321-336.
- McCullough, M. E., Bellah, C. G., Kilpatrick, S. D., & Johnson, J. I. (2001). Vengefulness: Relationships with forgiveness, rumination. *well-being and the big five Personality and Social Psychology Bulletin*, 27, 601-610.
- McCullough, M. E., Rache, K. C., Sandage, S. J., Worthington, E. L., Brown, S. W., & Hight, T. L. (1998). Interpersonal forgiving in close relationships II: Theoretical elaboration and measurement. *Journal Personality Social Psychology*, 75(6), 1586-603.
- Neto, F. (2007). Forgiveness, personality and gratitude. *Personality and Individual differences*, 43, 2313-2323.
- North, J. (1998). The Ideal of Forgiveness: A Philosopher's Exploration. in R. D. Enright & Exploring forgiveness, 15- 34.

- Saiedi, S. (2013). *Investigating the relationship between moral intelligence and extending citizenship behaviors among Tehran's citizens*. M.A.thesis.Tehran university.
- Thompson, L.Y., Snyder, C. R., Hoffman, L., Michael, S.T., Rasmussen, H.N., & Billings, L.S. (2005). Dispositional forgiveness of self, other and situations. *Journal of Personality*. 73, 316-60.
- Rahimi, G. R. (2012). *Investigating the effect of the employees, moral intelligence on their occupational success in Islamic Azad university, region 13, National conference of values and moralities in management*. Bo nab Islamic Azad university.
- Ross, S. R., Kendall, A. C., Matters, K. G., Wrobel, T. A., & Rye, M. S. (2004). A person logical examination of self and other forgiveness in the five factor model. *Journal of personality Assessment*, 82, 707-214.
- Worthington, E. L., & Wade, N. G. (1998). The Psychology of Forgiveness and Implications for Clinical Practice. *Journal of Social and Clinical Psychology*. 18, 385-416.
- Worthington, E. L., Sandage, S. J., & Berry, J. W. (2000). *Group- interventions to promoteforgiveness*. In M. E. Mccullough, K. I. PARGAMENT, & C. E. thoresen (Eds.), *forgiveness: theory, research, and practice* (pp.228-253). New York: Guilford.
- Zdenk, B., & Schochor, D. (2007). Developing moral literacy in classroom, *Journal of Educational of Administer Action*, 45(4), 514-32.